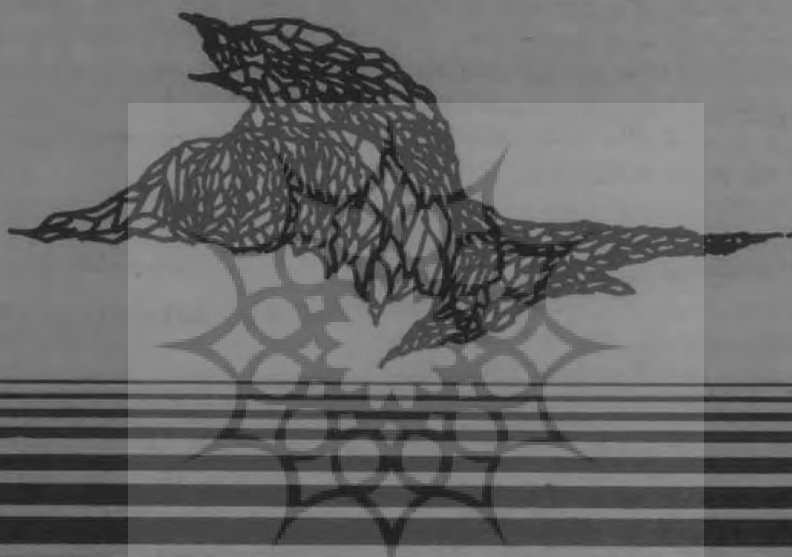


# برنامه ریزی در چین

نوشته : رولاند برژه

ترجمه : دکتر رحیم اتحاد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

فرضیه مشترك قرار گرفته که جریانات سیاسی مانع رشد اقتصادی بوده اند .  
در این ارزیابی شورویها معتقداند که پیشرفتها تا سال ۱۹۵۷ اساسی  
بوده اند ، در عین حال این مطلب را نیز یادآوری میکنند که از آنموقع  
یعنی از زمان اجرای پروژه های اساسی\* واز وقتیکه منازعات قلمی در  
جنبشهای کمونیستی بین المللی آغاز شده کشاورزی و صنایع چین پیشرفتی  
نداشته و یا این پیشرفت بسیار کم بوده است . بسیاری از متخصصین زبده  
امور چین در ایالات متحده ، که تعدادی از آنها نقطه نظرهای خود را در  
کمیسیون اقتصادی کنگره نیز بنسبتهایی توضیح داده اند ، تا این اواخر  
بر این فرضیه اساسی معتقد بوده اند که پیشرفتهای اقتصادی چین باوجود  
اغتشاشات ناشی از مبارزات سیاسی نتوانسته جامه عمل بیوشد و اقتصاد چین

با کشودگی مجدد درهای چین ، این نکته تایید میشود که تجربه های  
اقتصادی کشور هفتصد و پنجاه میلیونی که بیش از این دچار قحطی و آسیب  
بوده ، یکی از جنبه های کاملاً مجذوب کننده در وضعیت بعضی از کشورهای  
رو بتوسعه است . اغلب اقتصاددانان غربی **J.K. Galbraith, Leontieff**  
که در محل ناظر عینی جریانات بوده اند ، با در نظر گرفتن نارسائی امکانات  
از موثر بودن شیوه های مورد عمل دچار حیرت شده اند . يك اقتصاددان  
که بعنوان مشاور اقتصادی يك گروه صنعتی **(Roland Berger)** انگلیسی  
انگلیسی از سال ۱۹۵۳ بعد ، بیست و یک بار از چین توده ای دیدن کرده ،  
یکی از علل این وضع را اینطور بیان میکند : صرف نظر از جنبه های شاق آن ،  
برنامه ریزی در چین بصورت سیستم دینامیکی درآمده که به جزئی ترین  
واقعیتهای روزمره متکی است .

نظر تمام مفسرین شوروی و غرب در مورد توسعه اقتصادی چین بر این

صلا از سال ۱۹۴۹ دنباله رو جنبه‌های دوره‌ای بوده است. در این دنباله روی، دوره رشد مصادف با دوران آرامش سیاسی بوده و در مقابل از هم‌پاشیدگی کشاورزی و اقتصادی بوقت جهش بجلو و تشکیل کمون‌های خلق و انقلاب فرهنگی مشاهده شده است.

نظر خود چینی‌ها بر این است که مسائل اقتصادی آنها اساساً تشابه به مارکسیسم کلاسیک دارد. اما رئیس کشور چین با بیان این مطلب که (کار سیاسی مخصوص در دوره تغییرات بنیادی در یک رژیم اقتصاد مرفعی امر حیاتی برای تمام کارهای ما در زمینه اقتصادی است) در واقع بر این اصل تاکید کرده است که «سیاست بایستی بر پایه اقتصاد بنیاد نهاده شود» و معتقد است که این اصل با مقتضیات و شرایط چین تطبیق میدهد اما او عبارت دیگر الفبای مارکسیسم را فراموش نمیکند. او حتی برخلاف عقیده مارکس بیان میکند که (از میان تمام عوامل تولید، بزرگترین نیروی تولیدی توسط خود طبقات پیشرو تشکیل شده است).

در چین سیاست اقتصادی و توأم با آن برنامه‌ریزی، با خطوط سیاست عمومی تعیین شده‌اند که این خود تابعی است در خدمت اقتصاد. در یک کشور مرفعی که میخواهد رفاه حال زحمتکشان و محرومین جامعه را تأمین کند برنامه باید جوابگوی منافع اساسی همه کارگران، زحمتکشان و کشاورزان باشد. تحقق این امر وجود یک برنامه مرکزی را ایجاب میکند که در آن منافع همه طبقات رقیب (چینی‌ها میگویند تناقض بین توده‌ها) نظیر شهرنشینها در مقابل روستا نشینها، صنایع در مقابل کشاورزی، صنایع سنگین در مقابل صنایع سبک و ایالت‌های مختلف در بین خود مورد تلفیق قرار گرفته باشد.

این سیاست در مقاله‌ای که در روزنامه هانگویی (برج سرخ) در اوایل سال ۱۹۶۰ توسط سون یه فانگ مدیر سابق انستیتوی مطالعات اقتصادی و آکادمی علوم منتشر شده چنین اعلام گردیده است: (تعداد زیادی بنگاههای عمومی که دارائی مشترک مات بسیار می‌آید عیج اربابی جز حکومت دیکتاتوری پرولتاریائی که او خود تحت مدیریت حزب ماست ندارد. این حکومت تنها نماینده منافع اساسی طبقات کارگر و زحمتکش و خلاق میباشد و اوست که اتخاذ تصمیم درباره اصول و سیاست لازم برای اداره این بنگاهها و ارائه طریق جهت گسترش تولید، توزیع تولیدات و مصرف آنها را بعهده دارد. روابط بنگاهها با حکومت بر مبنای مرکزیت دموکراتیک استوار است بدین معنی که قدرت برای مسائل مهم و اساسی مرکزیت داشته و در مورد مسائل کم اهمیت «سیاست عدم تمرکز قوی» مجری و معمول میباشد. در این عدم تمرکز خود مدیریت دارای مرکزیت بوده و دارای تشکیلات گسترده (افقی) هستند. یکدفعه دیگر ما خود را مستقیماً رو در روی دستورات کلی مارس ۱۹۱۸ چین میبینیم که گفته بود: «در کنترل کلی که وسیله دولت روی تولیدات و توزیع اموال میباشد» میشود اگر مواجه با فقدان ملاحیت باشیم، نگهداشتن قدرت و آزادی پرولتاریائی ممکن نیست و بازگشت به یوغ کاپیتالیستی نیز غیرقابل اجتناب میباشد).

برای اینکه برنامه بطور موثر عملی شود لازم است مرکزیت و دموکراسی تلفیق شوند. در عمل و بخصوص از زمان انقلاب فرهنگی برنامه‌ریزی اقتصادی ظاهراً «منطبق با روش مدیریتی است که سال ۱۹۴۳ مائوتسه تونگ اعلام کرده» گامچین ایده توده‌ها (بطور پراکنده و نه سیستماتیک) جمع‌آوری و تلخیص آنها (بعد از مطالعه و بمسورت ایده‌های کلی و سیستماتیک) توزیع دوباره و تجزیه و تحلیل آنها بین توده‌ها، بحوی که قویاً پذیرای آن باشند و آنها را بعنل تغییر شکل دهند و حتی در عمل درستی این ایده‌ها بررسی گردد. «ساختمان اجتماع چینی کاملاً مستعد این پدیده میباشد. واحدهای فعال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در طبقات مختلف، که از یک حد خود مختاری بسیار مهم برخوردارند از پایین تا مرکز، هرمی را تشکیل میدهند. در هر طبقه؛ منافع ایده‌ها و ابتکارهایی که از واحدهای طبقات پایین بوجود می‌آیند میتوانند، چکیده، تلفیق و اصلاح شوند و سپس به طبقه بعدی که در آنجا همین عمل در مقیاس بزرگتر تکرار خواهد شد ارسال گردد، و بالاخره تا رأس هرم همین وضع تکرار میگردد.

در این سیستم یک کانتون نمونه که مورد بازدید من (نویسنده مقاله) قرار گرفته (کانتون شانگ آن هسین در جنوب سیان) جمعیتی حدود ۶۳۰۰۰۰ نفر داشت که در ۴۳ کمون جمعاً با ۶۶۰ گروه تولید و با ۳۰۰۰۰ اکیب تولید متشکل شده بود.

هر طبقه برنامه سالانه مخصوص خود را پیشنهاد میکند که بلافاصله باید در طبقه بالا مورد مذاکره و ارزیابی قرار گیرد: از اکیب تولید تا گروه، از گروه تا کمون، از کمون تا کانتون، از کانتون تا منطقه تشکیلاتی، از منطقه تشکیلاتی تا ایالت و از ایالت تا مدیریت مرکز. بعنل وجود روابط وسیعی که حتی در کارهای روزمره نیز معمول گشته، واحد طبقه بالا وظیفه دارد که وسعت مسئولیتهای خود را بنحو صحیح با دادن دستورات کلی موثر درک کند. این ساختمان هرمی پله پله مسلماً انتقال مفروضات آماری و کنترل آنها را تسهیل مینماید.

افزادی که در پایین قرار دارند، کارگران و کشاورزان، در تمام مراحل به تمر رساندن برنامه از مرحله موافقت با طبقات بالا تا مرحله اجرا در آن شرکت میکنند، برابر آشنایی با پیچ و خم مطالعه و با درست گرفتن بسیار موثر امورات خود، شعور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خلق رشد مداوم پیدا میکند: و بهمین علت شرکت آنها در عمل برنامه‌ریزی همانند سایر زمینه بندریج معنی‌دار، جدی و مبتنی بانضباط کامل میباشد. البته محتمل است که در سرزمین گسترده چین آرامش سیاسی و شعور طبقات مختلف تفاوتی نیز باهم داشته باشد.

برنامه‌ریزی برای سالی که در پیش است از ماه سپتامبر (شهریور) آغاز میشود. در این تاریخ بیان نه ماه اول سال جاری تهیه شده است و از اینجا امکان این هست که تخمیناً نتایج احتمالی سه ماه آخر را نیز بدست آورد. مذاکرات در طبقات پایین، در کارگاه‌ها، در کارخانه‌ها و در قالب گروه‌های تولید کموتهای خلق آغاز میشود. براساس تحقق هدفهای سال جاری، طرحهای اولیه برای سال بعد ریخته میشود در سطح کارخانه و کمون این مرحله از همکاری روی برنامه منجر به بحث‌هایی میشود که در عین حال به ترتیب اجاره تبادل نظر به کارگاهها و اکیب‌ها و گروه‌های تولید را نیز میدهد. از همین جا برنامه‌ها برای کارخانه یا کمون بمسورت تشکل نکته‌نظرها بین توده‌ها و کارهای رهبری آغاز میشود. این پیشنهادات به طبقات بالا ارائه میگردد، یعنی به شهرداریها در شانگهای و یکن یا تی‌نشین یا کانتون در ایالت‌ها. بدین ترتیب کانتون (یا شهرداریها) بررسی کار سال گذشته و مطالعه برنامه کلی برای ۱۲ ماه سال آینده را با ادغام پیشنهادات مختلف که از کارخانه‌ها و کمون‌های بخش مربوطه گرفته شده شروع میکند. در این مرحله ممکن است تبادل نظرهای دوجانبه بین دوطبقه با تعدیل پیشنهادات واحدهایی که نظر جامع‌نگارانه برسد و یا با تحرك بخشیدن به پیشنهادات واحدهایی که از دستورات کلی (نگاه به بالا و رسیدن به نتایج خوب و اقتصادی) عقب‌تر باشند آغاز گردد.

برنامه کانتون دوباره به تشکیلات منطقه‌ای ارسال میگردد که همان هیوه ادغام و مسورت فوق را دوباره معمول میدارد. بالاخره ایالت یا انجام مشورتهای لازم یا طبقات بائین ترکیبی از این برنامه‌های منطقه‌ای را جهت تقسیم یک برنامه ایالتی ایجاد میکند.

مسلماً تبادل نظرهای از یائین به بالا و از بالا به یائین فقط یکبار در سال صورت میگیرد: البته تمام اوقات آنها حق شرکت در فعالیتهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کاملاً منظمی را دارند. بدین جهت برنامه‌های سالانه در مجموعه موفقیت‌ها و ناکامیهای دوره‌های گذشته خلاصه میگردد. پیشنهاداتی که ارائه میشود باید تولید را به یک رشد جدید رسانده و نیز به بخش‌های ضعیف اجازه اصلاحات و تجدید نظر را بدهد پیشنهادات سه شهرداری و بیست و دو ایالت و سه منطقه خود مختار (سپن کیانگ، مغولستان داخلی و کوانگ سی‌شون) در اختیار کمیسرای دولتی برنامه قرار داده میشوند که در عین حال باید پیشنهادات سازمانهای صنایع مرکزی نظیر وزارتخانه‌های مسؤل سوخت، ماشینها، حمل و نقل، صنایع سبک و... را هم بررسی بکند. کمیسرای برنامه سعی میکند تلفیق و هماهنگی بین برنامه‌های مناطق (شهرداریها و ایالت‌ها) و برنامه‌های سازمانهای صنایع مرکزی ایجاد کند.

\*\*\*

یکی از انتقادهائی که بر علیه لیوشائوچی\* و سایرین ( طرفداران بازگشت به راه کاپیتالیستی ) عنوان میشد ، اهمیت بیش از حدی بود که آنها برای سازمانهای صنایع مرکزی در مقابل مناطق قائل بودند .

از نوامبر یا دسامبر ( ماههای آذربادی ) کمیسریا یک برنامه موقت برای سال بعد تنظیم میکنند که بلافاصله در یک کنفرانس با شرکت نمایندگان مناطق و سازمانهای صنایع مرکزی مورد مذاکره قرار میگیرد . از این کنفرانس برنامه تجدیدنظر شدهای بیرون میآید که بلافاصله تا پلمهای متوالی جهت تفسیر و تنقیح پائین میآید در حالیکه - اتصال مضاعف بالا و پائین دارد . چینیها میگویند غرض از اینکار تشویق بیشتر و ممکن به انجام کامل ( ابتکارهای دو جانبه ) است که یکی از پائین و دیگری از بالا میآید .

برنامه سالانه علاوه از ارقام تفصیلی تولید جهت بخشهای اساسی شامل تامین منابع مالی ، نیروی کار و مواد اولیه لازم جهت تحقق هدفهای پیشبینی شده است . برنامه کلی عملاً به ۹ بخش اساسی تقسیم شده است : توسعه صنایع ، توسعه کشاورزی ، کارهای بزرگ ساختمانی ، کارگران ، توزیع مواد اولیه و تامین منابع مالی ، ارتباطات و حمل و نقل ، برنامه تجارت ، نیروی کار ، دستمزد و مدد معاش اجتماعی . برنامههای پنجساله معرف هدفهای اساسی و از نوع بزرگ ( کارهای ساختمانی بزرگ ، مخارج و درآمد ) میباشد تا ارقام ریز . اگر برنامههای سالانه مفصل هستند اما در عین حال تا اندازه ای قابلیت انعطاف و اصلاح دوباره را دارند . این روش دیالکتیک (Dialectique) در برنامه ریزی ، نظیر سایر چیزها در چین منتهی به تصویری دینامیک ( متحرک ) در ( موازنه اقتصادی ) میگردد و نه تصور استاتیک ( متوازن ) . بنظر میرسد که اینکار اقتصاد چین را از عوامل فلیج کننده برنامه ریزی بسیار شاق ، مفصل و فوق مرکزیت که در اتحاد شوروی و در تعدادی از ممالک اروپای شرقی باعث محرومیتها ، مقاومتها و خیانتها شده بدون آنکه از قابلیت تحقق هدفهای تعیین شده وسیله و نامه حرفی زده شود ، بر حذر میدارد .

\*\*\*

در تصور چین یک تعادل کلی که در عین حال شامل تمام بخشهای اقتصادی گردد نمیتواند موقت و آسیب پذیر نباشد . اصول و بنیاد قسیمی از عدم تعادلها را تشکیل میدهند که بایستی هدف اصلاح و انطباق قرار گیرد . اصرار زیاد روی تعادل در لحظاتی نتیجه اش جز عقب گذارن عوامل زیر بنائی که دینامیک بوده و سریعتر از سایر قسمتها پیشرفت میکند نخواهد بود . در بطن تفکر چینی بعنوان اساس و محتوی ، جنبش پیوسته ای را میتوان یافت که باین شکل بیان میشود ( تعادل - عدم تعادل - تعادل جدید ) بدین ترتیب ملاحظه میشود که تجدیدنظر و تغییرات متناوب برنامه بیان آشکار تصور چینی از توسعه اقتصادی میباشد . مائوتسه تونگ در سال ۱۹۵۷ اساس این استدلال را بیان میکند :

( تناقض بین تولید و احتیاجات جامعه در یک دوره طولانی بوجوددیت خود چون یک واقعیت عینی ادامه خواهد داد ، رفع آن مستلزم برنامه های دولتی بر اساس پدیده ثابت اصلاح و انطباق است ) در کشور ما همه ساله یک برنامه اقتصادی جهت ایجاد رابطه مناسب بین تراکم ( نهوخته ) و مصرف و نتیجتاً برای رسیدن به یک تعادل بین تولید و احتیاجات جامعه تنظیم میگردد . این تعادل به سبب وجود مخالفین ، یک واحد موقتی میباشد . یکسال میگردد و این تعادل کلاً با مبارزه مخالفین از بین میرود ، واحد تغییر شکل میدهد ، تعادل به عدم تعادل تغییر شکل میدهد ، واحد دیگر بحال خود برنمیگردد و باید مجدداً تعادل و واحد را برای سال بعد ایجاد کرد . و این نشان دهنده تفوق اقتصاد برنامه های ماست . در عمل این تعادل و واحد بطور نسبی هر ماه و فصلی از بین میرود و این امر ضرورت تجدیدنظر و انطباق نسبی را لازم میسازد . گاه بعات اینکه تمایلات ذاتی ما با هدفهای واقعی مطابقتی ندارند ، تناقضات خودنمایی نموده و تعادل از هم میگسند ، این چیزی است که ما بدان ، عمل ارتکاب به اشتباه اطلاق میکنیم . تناقضات لاینقطع ظاهر شده و لاینقطع از میان برده میشود و این است آنچه که قانون دیالکتیکی توسعه را تشکیل میدهد ) .

اصلاح و انطباقها وسیله دو عامل اساسی تسهیل شده اند . عامل اول سیستم طبقاتی است که هر یک قسمت زیادی از مسئولیتهای خاص و محدوده عملی خود را در اختیار دارند . این اختیارات با آنها اجازه میدهد که اگر

بعات پیشی گرفتن بعضی از واحدهای پایینی و یا عقب ماندگی بعضی دیگر ، تغییرات در برنامه سال جاری لازم آید این تغییرات را انجام بدهند . عامل دوم مربوط به قائل شدن آزادی عمل محدود جهت تغییرات احتمالی است . موضوع زیر را مسئولین برنامه ریزی اقتصادی کمیسریای برنامه در ایالت هوپه در ماه مه ۱۹۷۷ بمن یاد آور شدند . مرکز در عین تنظیم برنامه خود محدوده اختیارات بسیار مهم برای ایالت قایل است همین سیاست در مورد تمام طبقات مورد عمل قرار میگیرد . کانتونها و کمونها که توسعه صنایع کوچک و متوسط بعهده آنهاست و آنها را صنایع پنجگانه کوچک\* مینامند ، محدوده اختیارات مشخصی دارند . در شرایطی دولت سهمیه معینی از فولاد و سایر مواد اولیه صنایع محلی را بایالت اعطا میکند ، بدون اینکه تولید خود آنها را در برنامه ملی در نظر گرفته و یا کنترل روی آن انجام دهد . همچنین تمام کارخانجات یک حدی را در ظرفیت تولید خود ، جهت ایجاد زمینه کافی ، در صورت فراتر رفتن از هدفهای اولیه قایل میشوند . برای مواد اولیه نیز همین حد وجود دارد . در نتیجه وجود همین حد ، کانتون میتواند در صورت لزوم ، در طول سال مبادرت به ایجاد انطباق و هماهنگی بین یک کارخانه و کارخانه دیگر و یا بین کمونها بکند . طبقات بالا به نوبه خود ، استفاده مشابه از همین روش ، در مقیاس بزرگتر میکنند . در جبهه ایدئولوژیک ، با ایجاد امکان ، منحرفین از مسیر سیاسی مستقیم ، با عقاید مخالف خود جایی در فعالیت های اقتصادی ندارند . این موضوع در چین باینصورت شهرت و رواج یافته که اصول فلسفی مورد قبول ، در تمام زمینه های زندگی سیاسی بنوبه خود مورد عمل قرار میگیرد .

\*\*\*

سیاست مبتنی بر ( قبول آزادی عمل ) اجازه میدهد که در بخش اقتصادی روشی را مورد عمل قرار داد که ملهم از استراتژی نظامی ( جنگ نبود کننده ) است . این استراتژی میگوید که دشمن را با تمام قوای در اختیار باید کوبید وقتی چینیها تاسیس یک واحد جدید و بسیار مهمی را طرح ریزی میکنند ، نیروی کار ، مواد اولیه و سرمایه های لازم را بطور یکجا و کافی جهت اتمام آن در مدت زمان بسیار کوتاه بیکار میاندازند . با در نظر گرفتن اینکه کارخانهها ، کمونها و تشکیلات آزادی عمل نسبی در مورد نیروی کار ندارند ، آنها میتوانند از قسمتی از کارگران خود که جهت این چنین پروژه های جدید اختصاص خواهند یافت ، صرف نظر کنند . در مورد مواد اولیه و سرمایهها نیز این قبیل آزادی عمل وجود دارد . مجتمع پتروشیمی عظیم ، در حومه پکن توسط کارگرانی که از سایر کارخانجات پایتخت آمده اند و با کشاورزان کمونها و سربازان ساخته شده است . یک کارخانه تراکتور سازی در ایالت هوپه در مدت زمان یکسال ساخته و مورد بهره برداری قرار گرفته است . کمون نوب فلز شماره ۴ مجتمع فولاد سازی وهان (Wuhan) با استفاده از تکنیک فوق الذکر در مدت چهار ماه ساخته شده است . آشکار است که این روش به تمام پروژهها یک حالت دینامیک و یک زمینه فوریت خاص بخشیده و باعث جلب کارگرانی با تخصص های مختلف میشود که میتوانند از نگاههای مختلف اعلام آمادگی بکنند . از آغاز سال ۱۹۳۰ ، عصری که در آن چین کاپیچک ( رئیس جمهور فاعی تایوان ) در راس معتقدین محاصره اقتصادی مناطق سرخ کیانکسی قرار داشت ، اصطلاح ( تکیه بر نیروهای ویژه خویش ) یکی از اصول اساسی دستورات سیاسی مائوتسه تونگ گردیده است . این ایده ( تکیه بر نیروهای ویژه خویش ) که بابتکار توده ها و مسئولیتهای واحدهای اساسی مربوط میشود بدون آنکه وابستگی زیادی بحکومت و تشکیلات مرکزی داشته باشد ، مسلماً برای لیوشائوچی و اطرافیانش خوش آید نبوده است . تجدید نظری که در آن بوروکراسی مورد نظر بود و انتقادهائی که در طول دوره انقلاب فرهنگی بر آن شد باین اصول زندگی دوباره بخشیده و هر آن میتواند درگشت و گذاری درچین آنرا بوضوح ببیند . وقتی که چینیهها ساختمان تاسیسات جدیدی را طرح ریزی میکنند ( مانند سیستم آبرسانی ، ساختمان جاده ها و پلها ، کارخانجات و معادن محلی کوچک و یا با اهمیت متوسط ) کمون و کانتون همانند طبقات بسیار بالا برای پروژه های بزرگ ، باید بین کمک اقتصادی دولت و یا اتکا بر منابع

\* رئیس جمهوری سابق چین .

\*\* صنایع کوچک پنجگانه شامل واحدهای کوچک فولاد سازی ، معادن

کوچک ذغال ، کارخانجات کوچک کود شیمیایی ، سیمان و ابزار

محلی نیروی کار و وسایل تمهیه شده با ابتکار مردم یکی را انتخاب یکند . ایده ( تکیه بر نیروهای ویژه خویش ) آنقدر عمیقاً ریشه دوانده و بصورت غرور درآمدی که معتقدان برای انجام بهتر پروژه‌هایی که منافع محلی را در بردارند باید تا میتوان بجای کمک دولت از تشریک مساعی عموم استفاده کرد . در میان هزاران کار از این نوع فقط میتوان بعنوان مثال به کانال پرچم سرخ در کانتون لین در شمال غربی هونان با ۳۰۰ کیلومتر کانال اصلی و انشعابات درجه دوم و مراکز تئیدرولیکی و سایر تأسیسات وابسته اش اشاره کرد ، که در مدت ده سال از آغاز سال ۱۹۵۸ با هزینه‌ای معادل ۴۷۶۰۰۰ یوان \* که شامل اجرت کارگران نیز میشده ، ساخته شده است . از این رقم ۸۰ درصد آن توسط ۱۳ کمون و گروه‌های تولید و ۲۰ درصد بقیه توسط دولت تامین گردیده است . در این حالت این کمون‌ها هستند که تحت تابعیت کانتون کارها را بعهده میگیرند . کمون‌ها منفرداً ساختمان تأسیسات بسیار کوچک را بعهده میگیرند ، در حالیکه کارهای بزرگ آبرسانی و سایر کارهای ساختمانی بزرگ ، با همکاری کانتونهای متعدد و حتی تعدادی از ایالت‌ها انجام میگیرد . یک سیستم قابل انعطاف ، بدون داشتن مشکلات تشکیلاتی ، گروه‌بندی واحدهای متناسب با نوع پروژه‌ها را تسهیل میکند . \* \* \*

بنظر میرسد که تحت عنوان تکامل ، فلسفه برنامه‌ریزی و روش های بکار رفته ، رسیدن به خودمختاری محلی را در چهارچوب یک سیستم مدیریت هماهنگی مرکزی ممکن میسازد . کارگران و کشاورزان جهت اقدام با امور مربوط به پیشرفتهای محلی ، احتیاجی بر رسیدن دستورات تحکمی (Oukase) از بکن و حتی از ایالت ندارند .

روابط میان مدیریت مرکزی و ایالت ها ( واحد هایی با جمعیت میان ۱۲ تا ۳۰ میلیون نفر ) بر مبنای روش آزموون و خطای شوریه‌ای محلی تنظیم میگردد . - کنترل بوروکراسی مرکزی و ماکسیمالیسم (Maximalisation) ابتکار های اساسی توأم بایک هماهنگی کلی ، سیاست لیوشائوچی و اطرافیان بر اساس توجه بیشتر به اهمیت سازمان های صنایع مرکزی (Ligne) یا عبارت دیگر توجه به وزارتخانه های صنایع مرکزی و سایر سازمانها بعنوان عامل تعیین کننده در برنامه‌ریزی بود . در حالیکه مائوتسه تونگ طرفدار اعطای اهمیت بیشتر به مناطق (شهرداریها و ایالت‌ها) بشماره بیشتر تا حد ممکن ابتکارات محلی در ایالت‌ها ، کانتونها و از کارخانجات تا کمون‌ها بود انقلاب فرهنگی با تاکید بیشتر روی شرکت توده‌ها کفه را بنفع مناطق (شهرداریها و ایالت‌ها) سنگین کرد ، تغییراتی که در نحوه تنظیم امور مالی بین مرکز و ایالت‌ها پیش آمده عملی بودن یکی از دوعقیده مخالف فوق را آشکار میسازد . در چهارچوب برنامه‌ریزی سالانه ایالت رقیمی بعنوان درآمد ها و مخارج پیش‌بینی شده است ، این ارقام مجزی بوجه و معادل نیستند قبل از انقلاب فرهنگی تمام اضافه درآمد نسبت به رقم پیش‌بینی شده در برنامه بودجه و وسیله ایالت بحساب دولت منظور شود . بعداً بایالت‌ها اجازه دادند که تمام اضافه درآمد را خود نگهدارند . در سال ۱۹۷۲ این فرمول مجدداً تغییر یافته و قید میکند که ایالت ها میتوانند اضافه درآمدهائی تا ۳۰۰ میلیون یوان از خود نگهدارند . آنقدری که بالاتر از این رقم است بین دولت و ایالت تقسیم میگردد . امروزه ایالت ها تمام آنچه را که در طول سال در مخارج مصرف‌جویی کرده‌اند خود نگهدارند . ایالت‌ها اصول مشابهی را در روابط خود نسبت به طبقات پایین : مناطق تشکیلاتی و کانتونها ، مورد عمل قرار میدهند . باین ترتیب میتوان گفت که در مورد مناطق خود مختار (اقلیت‌های ملی) ، مخارج خیلی بیشتر از درآمدها هستند . از طرف دیگر ، دولت با واسطه برنامه ، مناطق محروم از منابع طبیعی را بخرج مناطق غنی یاری میرساند . نتیجه تلاش همجانبه عدم تمرکز این بوده که کارخانه های متعددی که قبلاً وسیله دولت اداره میشدند از این بید در اختیار ایالت مربوطه خواهند بود . مجتمع های تولیدی سنگین شرح زیر در برنامه دولت قرار دارند : فولاد ، ذغال سنگ ، کونشیمیائی ، تراکتورها ، سیمان ، کامیونها ، ترانسفورماتورها ، ژنراتورها ، ماشینهای ابزار ، تأسیسات ارتباطی ، موتور های دیزل ، با قدرتهای متفاوت ، حمل و نقل . در این برنامه همچنین (استفاده متمایز از منابع)

\* یوان واحد پول چین توده‌ای میباشد و هر یوان معادل ۳۱۵۰ ریال است .

نیز منظور شده که در قالب سیاست عمومی اقتصادی و مبارزه با آلودگی جای میگیرد برای حصول اطمینان از توزیع منصفانه ، برنامه روی-اجناس مورد نیاز روزانه - تاکید میکند . این اجناس شامل : منسوجات والیاف پنبه ، پشم و منسوجات بالیاف ممنوعی ، نمک ، شکر ، دوجرخه ، گیرنده های رادیو ، ماشینهای خیاطی ، سیگار ، توتون ، ظروف ایزولان و ظروف سفالین ، تعدادی از اجناس نظیر کفشهای چرمی کفشهای راحتی ، حوله ، دکمه‌است که در ایالتها تولید میشود وسیله خود ایالتها کنترل میگردد . اما چکمه و کفشهای کائوچویی که توده کشاورزان بدانها احتیاج دارند در زمره برنامه دولتی قرار دارند . مناطق تشکیلاتی و کانتونها بنوبه خود تولید تعداد کمی از اجناس را کنترل میکنند . ایالتها و کانتونها در ایجاد صنایع جدید حدی دارند که نباید از آن بگذرند . بعنوان مثال کارخانجات کود شیمیائی بظرفیت کمتر از ۳۰۰۰ تن در سال یا کارخانجات کوچک موتور دیزل میتوانند بدون کسب اجازه مرکز ایجاد شوند . کانتونها میتوانند ایجاد ساختمانهای تازه‌نیز ۱۰۰۰۰ یوان را بعهده بگیرند و در صورت تجاوز از این رقم ملزم به کسب اجازه طبقه بلافاصله بالای خویش میباشند .

کلیات برنامه‌ریزی از پائین بیلا و بالعکس در اطراف این موضوع اصلی میچرخد (کشاورزی اساس بوده و صنعت عامل حاکم) در چهارچوب این بیان واضح ، دستور العمل کلی چنین است که در صنعت ، فولاد و در کشاورزی ، بدر بعنوان عامل اساسی باید در نظر گرفته شود . هر واحد با توجه بوضع خویش در موقع تنظیم برنامه مربوط بخود ، برای عملی نمودن این خط مشی کلی تلاش میکند .

در چهارچوب احتیاجات و امکانات ملی ، برنامه هریالت متمرکز است بر روی احتیاجات و امکانات خاص خود . اعضای کمیسیای برنامه در ایالت سانشی (Senshi) برای من (نویسنده مقاله) تشریح کردند که در این ایالت که برای بخش‌هایی آسب دیده ، ۳۰ درصد مجموع سرمایه‌گذاری اختصاص به کشاورزی دارد (بدون در نظر گرفتن سیستم آبرسانی و غیره) و قسمت اعظم سرمایه‌گذاری صنعتی متمرکز است در واحد هایی که تاثیر در توسعه کشاورزی دارند . کارخانجات و سفیل کشاورزی در تمام ۹۳ کانتون ایجاد شده‌اند ، یعنی از این کانتونها دو و حتی سه کارخانه از این نوع دارند . فولاد بکاررفته در کشاورزی ۲۰ درصد مجموعه فولاد مصرفی هریالت را تشکیل میدهد . حتی در داخل بخش کشاورزی اولویت های زیر در نظر گرفته شده است :

۱- آبرسانی و اصلاح خاکها ۲- تأسیسات نگهداری ، کسرو و تغییر شکل تولیدات کشاورزی مانند آسیاب تهیه آرد ، ماشین های پوست‌کنی برنج ، که بدین ترتیب امکانی جهت استفاده از کارگران کانتون و کمون جهت کارهای ساختمانی و صنایع کوچک و متوسط ایجاد میشود ، ۳- مکانیزه کردن بخش ۴- کونشیمیائی و حمل و نقل . ازحالا تا سال ۱۹۸۰ کشاورزی در ایالت با یسی کاتالاستکلیزه بشود ، و در این تاریخ فاصله و اختلاف بین شهرها و دهات با یسی بنحو قابل توجهی از بین برود . ایالت امتیاز زیادی برای تولید ماشین های کشاورزی سبک و درغین حال بادوام که نوع ساختمان آن تعمیر و نگهداری آنرا تسهیل میکند قابل است . جهت ترویج ماشینهای هم که بطور موسمی مورد استفاده قرار میگیرند و بعداً در تمام اوقات باید مورد استفاده قرار گیرند تجاری آغاز شده است .

در ایالت هوپه (Hupeh) سال ۱۹۷۲ مطالعه مشابهی را در مورد برنامه‌ریزی انجام داده‌ام (نویسنده مقاله) . کمیسیای برنامه جهت ایجاد هماهنگی بین کشاورزی و صنایع بسیار علاقمند بود و بهمین ترتیب در مورد خود کشاورزی با ایجاد هماهنگی بین کشت های اصلی (برنج ، گندم، پنبه) و فعالیتهای بسیار ثانویه نظیر جنگل‌کاری و پرورش ماهی . در این موارد این مسئولین در کار برنامه‌ریزی خود خلائی را احساس میکنند . مائوتسه تونگ و چوئن لای هر دو تاکید کرده‌اند که در زمینه اقتصادی هنوز مسائل زیادی جهت از بین بردن داریم . در سال ۱۹۵۷ مائوتسه تونگ اعلام میکند که (با وجود گذشت هفتسال پر زحمت از ایجاد زیربنای اقتصادی هنوز ما تجربه کافی نداریم و احتیاج داریم که آنرا بدست آوریم) او مخصوصاً اشاره به - تناقض موجود بین قوانین مادی توسعه اقتصادی در یک اجتماع سوسیالیستی و درک ذاتی که از آن دارند - میکند .

چوئن لای همین موضوع را طی مصاحبه‌ای با ادگار استو در شماره ۲۱

بسیاری مسائل وجود دارند که بایستی حل شوند. این نیز واضح است که علی‌رغم همه اینها، در مجموع چین توانسته است با موفقیت نسبی، رابطه هماهنگی در توسعه صنایع و کشاورزی ایجاد کرده و تناسب صحیحی را بین توسعه صنایع سنگین و سبک برقرار کند. بنظر میرسد که چین روش‌های برنامه‌ریزی را نوعی ابداع کرده که از عدم انعطاف، که مانع پیشرفت کار باشد برحذر باشد و نیز براساس احتراز از تمرکز بیش از اندازه می‌باشد. همچنین در چهارچوب سیستم اقتصادی چین، کارگران و کشاورزان تمایل بیشتر به انجام نقش فعال و بسیار مهم دارند. در مجموع بنظر میرسد که چین وسیله‌ای یافته است که باید هنوز هم تکمیل گشته و از نیروی تولیدی جداها میلیون کارگر و کشاورز استفاده بیشتری ببرد.

۱۹۶۴ بیان میکند: (قوانین حاکم بر توسعه اقتصادی فوق‌العاده پیچیده هستند. ما تجاری را در این زمینه اخذ کرده‌ایم، اما هنوز باید تجارب زیادی کسب کنیم. ما بعضی از این قوانین را درک کرده‌ایم، اما مقدار زیادی از آنها هنوز جهت درک باقی‌مانده‌اند. ما در پانزده سال گذشته آنطور که لازم بوده خود را پیش برده‌ایم، اما در عین حال مرتکب اشتباهاتی نیز شده‌ایم).

انقلاب فرهنگی بسیاری از مسائل اقتصادی را اساساً روبراه کرده است. همین‌کار در مورد روابط اجتماعی نیز که پیشرفت اقتصادی تاحد زیادی بدان وابسته است، انجام گرفته است. همانطور که بسیاری از صاحب‌نظران می‌گویند، واضح است که بسیاری از چیزها هنوز در مرحله تجربه بوده و چه

## جهان بهتر ...

اگر پرسند از من زندگانی چیست؟  
خواهم گفتم

همیشه جستجو کردن  
جهان بهتری را آرزو کردن ...

من از هر وقت دیگر بیشتر امروز هشیارم.  
به بیداری پر از اندیشه‌ام.  
در خواب بیدارم.

زمان را قدر میدانم  
زمین را دوست میدارم.  
چنان از دیدن هر صبح روشن میشوم مشتاق  
که گوئی اولین روز من است این  
آخرین روز است  
در روز شادیم با درد بدرودم درآمیزد  
میان این دو آوا یک هماهنگی مرموز است.

در این غوغای افسونگر  
چو مرغان بهاری بی‌قرارستم.  
دل میگیرد از خانه  
دل میگیرد از افکار آسوده  
واز گفتار بیهوده.  
دل میگیرد از اخبار روزانه  
گر از بازار گرم و جنگ سرد این و آن باشد  
نه از راز شکوفائی نیروهای انسانی.  
فضای باز میخواهم  
که همچون آسمانها بی‌کران باشد.  
و دنیائی که از انسان، نخواهد هیچ قربانی ...

ژاله

